

مارسل پانیول نمایشنامه نویس، رمان نویس و فیلمساز فرانسوی در بیست و پنجم فوریه ۱۸۹۵ در اژیانی^۱ بدنیا آمد. پدرش معلم بود و در تمام دوران تحصیل مشوق او در مطالعه و کسب دانش. پانیول پس از گذراندن تحصیلات ابتدائی و متوسطه وارد دانشکده ادبیات شد. پس از فارغ التحصیلی مدتی نیز به تدریس پرداخت.

نخستین نمایشنامه موفق پانیول تاجران شکوه و افتخار^۲ (نگارش ۱۹۲۵) نام دارد که هجوی است درباره سوء استفاده گران شهری که از قهرمانی سربازان در جهت منافع خود بهره برداری می نمایند. متعاقب آن نمایشنامه جاز^۳ (نگارش ۱۹۲۶) انتقادی به روشهای آموزش در فرانسه را نگاشت. در سال ۱۹۲۸ با نگارش نمایشنامه توپاز^۴ به شهرتی جهانی دست یافت. پانیول در نمایشنامه توپاز بادی دیدی نوبه مضمون کهنه قدرت فاسد کننده پول پرداخت.

توپاز معلمی ساده اما پای بند شرافت است. او ساده لوحانه به پندهای اخلاقی که زینت بخش کلاس او است دل خوش کرده و بالاخره موقعیت تدریس خود را زمانی از دست می دهد. که از درک احتیاج به افزودن نمرات یکی از دانش آموزان ثروتمندش در می ماند. او در خانه سوزی کورتوا^۵ معشوقه و شریک جرم رژی کتل پناک^۶ یک سیاستمدار محلی غیر شرافتمند به تدریس خصوصی می پردازد. بزودی او در معاملات آنان وارد شده و به عنوان دستیار آن دو، مورد استفاده قرار می گیرد. اگر چه توپاز سرانجام متوجه استفاده ای که از او می گردد، می شود لیکن توسط سوزی ترغیب می شود تا سکوت اختیار کند. او بین چرخ دنده های نظامی که مورد تأیید نبوده گیر می افتد و پس از مقاومت نه چندان سخت، بالاخره تسلیم و سوسه های مادی می شود. از آنجا که آژانس تجاری که سوزی و ژری بنیان نهاده اند از نظر قانونی بنام او ثبت گردیده او در فرصتی خود را از شرارت پانتهون می رها کند و پس از بدل شدن به کلاهبرداری بزرگ همه چیز را درید اختیار خود قرار می دهد. در صحنه پایانی در توجیه کارهای خود توضیح می دهد که بدبینی تنها شیوه ممکن در دنیایی است که تحت حاکمیت پول است.

متعاقب موفقیت این اثر پانیول در نمایشنامه سه قسمتی (تریلوژی) ماریوس^۷ ۱۹۲۹ فانی^۸ ۱۹۳۱، سزار^۹ ۱۹۳۶، موفقیت و شه رتش را تثبیت کرد. در این اثر بندرمارسی بگونه ای جذاب و دلنشین تصویر

گردیده و شخصیت های اثر زنده و واقعی هستند. در همان حال که نویسنده ما را سرگرم می سازد ما را به هیجان نیز می آورد. پانیول با صراحت و بدون تظاهر، داستان عشقی فانی را بازگو می کند که به عاشق اش ماریوس اصرار می ورزد از آرزوی قلبی خود پیروی کند و روی یکی از کشتی هایی که به نحو اغوا کننده ای از لنگرگاه باشاره او را صدا می کنند به سرزمینهای دور برود.

ماریوس برمی گردد تا فانی را مطالبه کند اما فانی که دریافت حمله است، با پانیس^{۱۰} پیر و مهربان ازدواج کرده است. بخاطر آینده پسرشان، ماریوس ترغیب می شود از ادعای خود نسبت به فانی دست بردارد. بیست سال بعد از مرگ پانیس، ماریوس و فانی توسط



Marcel Pagnol

مارسل پانیول

(۱۸۹۵ - ۱۹۷۴ م)

پسرشان مجدداً به هم می پیوندند.

نمایشنامه زن نانوا^{۱۱} (نگارش ۱۹۲۸) اثر دیگر پانیول براساس رمانی از ژان ژیلور^{۱۲} تنظیم گردیده و مضمون آن به اختصار چنین است: اهالی روستائی که ماجرای نمایش در آن اتفاق می افتد با یکدیگر همبستگی ندارند. کشیش بلاموزگار مخالف است و همسایه با همسایه، خانوای قبلی روستا خودش را به دار آویخته و خانوای جدید به همراه زنش به تازگی وارد روستا شده اند. نانوا زنش را می پرستد و به عشق اوست که کار می کند. زن نانوا به هنگام فروش نان دل به جوان چوپانی می بازد و صبح یکی از روزها با چوپان می گریزند. خبر

فرار آنها در دهکده می پیچد. نانوا ابتدا حقیقت امر را باور نمی کند و معتقد است که زن او به دیدار مادرش رفته است و محال است مرد دیگری را به غیر از او دوست داشته باشد. اما رفته رفته حرفهای دیگران اثر خودش را می گذارد. نانوا که به عشق زنش نان می پخته، پختن نان را تعطیل می کند و به مشروب پناه می برد. بی نانی گریبانگیر همه اهالی روستا می شود و علیرغم اختلافات گوناگون، جستجوی همگانی برای یافتن زن نانوا آغاز می شود. زن پیدا می شود و جوان چوپان می گریزد و با نصایح کشیش، زن نانوا را بخانه اش برمی گردانند. همزمان با ورود زن، کربه خانه هم که چند روزی گریه نر را تنها گذاشته بود بازمی گردد. نانوا بدون آنکه فرار زن را به رویش بیاورد گریه را بخاطر فرارش مخاطب قرار می دهد و زن نیز به کنایه قول می دهد که ماجرای فرار دیگر تکرار نشود. آنگاه نانوا شروع به روشن کردن تنور می نماید. از دیگر نمایشنامه ها پانیول: یهودا^{۱۳} (نگارش ۱۹۵۵) ملهم از کتاب مقدس که در آن نویسنده تلاش می کند تا خیانت به مسیح را از دیدی دیگر باز نمایند. نمایشنامه فابین^{۱۴} (نگارش ۱۹۵۶) گزارشی عیجیویانه از آداب و رسوم پارسی است. در سال ۱۹۳۲ پانیول یک مجله سینمایی را تأسیس نمود و با عرصه فیلم های ناطق، اقدام به راه اندازی یک کارگاه سینمایی در ماریس نمود. او موفق گردید تعدادی از نمایشنامه هایش را برای سینما تنظیم نماید. برخی از فیلمهای پانیول عبارتند از: جیرجیرک ۱۹۲۵، ساز ۱۹۳۶، توپاز ۱۹۳۶، خرمن ۱۹۳۷، زن نانوا ۱۹۳۸، دختر چاه کن ۱۹۴۰، آسیابان عشوه گر ۱۹۳۸، مانون چشمه ها ۱۹۵۲، نامه های آسیای من ۱۹۵۴، و راهب کوکونیا ۱۹۶۶. پانیول در سال ۱۹۷۴ چشم از جهان فرو بست.

پانویس:

- 1- Aubagne 2- Merchants of Glory 3-jazz
- 4-Topaze 5-Suzu Courtois
- 6-Regis Castel-Benac 7-Marius 8-Fanny
- 9-Cesar 10- Panisse
- ۱۱- زن نانوا The Baker's Wife نوشته مارسل پانیول
- ترجمه محمد قاضی تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۶.
- 12- Jean Giono 13- Judas 14- Fabien

منابع

1. MC Graw Hill Encyclopedia of world Drama "VOI 4"

برگردان: منصور خلج